

آیا خواندن دعا

کنار قبرستان بقیع جایز است؟

کے داود حسینی

مقدمه

از مسائلی که وهابیان آن را رد می‌کنند، نماز و دعا خواندن در کنار قبور و مشاهد مشرفه و حرم انبیاء و اولیاء است.

«ابن تیمیه» می‌گوید: «ولا تشرع الصلاة عندها ولا یشرع قصدها لاجل التعبد عندها الصلاة و اعتکاف أو استغائة و ابتهاج و نحو ذلك»؛^۱ «نماز کنار قبور، مشروع نیست و قصد کردن قبور برای عبادت و اعتکاف کنار قبور یا استغائه و دعا و مانند آن نیز مشروع نیست».

از سخنان او استفاده می‌شود که این کارها بدعت و حرام است، سپس اضافه می‌کند:

علما نماز در کنار مقابر را مکروه دانسته‌اند و عدۀ زیادی گفته‌اند: این نماز باطل است؛ زیرا از آن نهی شده است. خانه خداست که نماز در آن به جماعت و غیر جماعت و نیز اعتکاف و سایر عبادات بدنی و قلبی، از قرائت و ذکر و دعا، در آن مشروعیت دارد.^۲

۱. مجموعة الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۵۹.

۲. همان.

این سخنان اساس ادعای وهابیان در زمینه دعا و نماز کنار قبور است و بر این مبنا نماز و دعا خواندن در کنار قبرستان بقیع را شرک و بدعت می‌دانند و از آن جلوگیری می‌کنند. برای توضیح این موضوع باید سه مطلب را بررسی کنیم.

۱. اصل مشروعیت دعا و نماز کنار قبور پیامبران و اولیاء و مؤمنین.
 ۲. فضیلت یا عدم فضیلت دعا و نماز در کنار قبور انبیاء، اولیاء و مؤمنین.
 ۳. دیدگاه فقه اهل سنت و قواعد کلی مقبول آنها.
- در روایات، نماز همیشه همراه با دعا ذکر شده است و ما این دو موضوع را با هم بررسی می‌کنیم، اگرچه سؤال و شبهه درباره دعا کنار قبرستان بقیع است.

بررسی مسئله از دیدگاه فقهی و اصولی

عمومات ادله نماز و دعا بر صحت نماز و دعا کنار مقابر دلالت دارد و دلیلی مبنی بر منع نماز و دعا کنار مقابر نداریم. قرآن کریم نیز مکانی را برای نماز و دعا مشخص نکرده است.

بنابر مقتضای اطلاق ادله، می‌توان در هر مکانی دعا و نماز خواند؛ به جز مواردی که در روایات استثناء شده است. اگر قرآن را مرجع و مبنای حکم خدا در این زمینه قرار دهیم، مقتضای اطلاقات و عمومات آیات، صحت نماز در هر مکانی است. روایاتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند نیز همین معنا را تأیید می‌کند. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا»؛ «زمین برای من مسجد و پاک‌کننده قرار داده شده است».

در منابع اهل سنت چندین روایت نقل شده است که به لفظ عموم، دلالت بر جواز نماز در هر مکانی دارد، از جمله:

۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۳؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۵۹.

«حَيْثَا أَدْرَكْتِكَ الصَّلَاةُ، فَصَلِّ، وَ الْاَرْضَ لَكَ مَسْجِدٌ»؛ «هنگامی که وقت نماز

رسید، هر جا بودی نماز بخوان که همان جا مسجد است».

این عمومات اقتضا می‌کند که اگر در قبرستان وقت نماز و موقعیت دعا بود، نماز و دعا خواندن جایز است، برای مثال اگر کسی کنار قبرستان از گناهان خود پشیمان شد و توبه کرد می‌تواند همانجا از خدا طلب بخشش و دعا کند، ولی طبق دیدگاه وهابیان نباید دعا کند و از خدا بخواهد که گناهانش را بپامرد.

البته از این عمومات چند مورد در روایات (مانند نماز در مکان غضبی یا جایی که ضرر جانی و مالی و یا در معرض اتهام باشد و یا در حمام و مانند آن) خارج شده است؛ اما سایر موارد تحت عموم ادله باقی می‌ماند.

تاریخ اسلام و دعا کنار قبور

تاریخ اسلام گواه خوبی بر جواز دعا و نماز کنار قبور است، در اینجا چند نمونه از این موارد را ذکر می‌کنیم:

۱. در «مسجد الحرام» از زمان رسول خدا ﷺ تا امروز مردم دعا می‌کنند و نماز می‌خوانند، در حالی که قبر هاجر و اسماعیل عليهما السلام و عده زیادی از پیغمبران در «حجر اسماعیل» و اطراف خانه کعبه است.^۲ شیعه و سنی در حجر اسماعیل دعا می‌کنند و نماز می‌خوانند و هیچ‌کس ادعا نکرده است که دعا کردن در آن جایز نیست. پیامبر صلى الله عليه وآله صحابه، خلفا و عالمان، فضیلت دعا و نماز را در مسجد الحرام و حجر اسماعیل از هر جای دیگر بیشتر می‌دانستند.

۲. در داستان «اصحاب کهف» عده‌ای تصمیم گرفتند برای آنها بنای یاد بود بسازند.

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۳۶.

۲. فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، المناوی، جزء ۴، ص ۶۱۲.

﴿فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا﴾^۱

اهل ایمانی که اکثریت بودند و از راز آنان آگاهی یافتند [و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند] گفتند: «ما عبادتگاهی در کنار [مدفن] آنها می‌سازیم [تا خاطره آنان فراموش نشود]. ﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾^۱

کسانی که می‌خواستند در آنجا نماز و دعا بخوانند و به آن مکان تبرک جویند تصمیم به احداث مسجد گرفتند.

خداوند در داستان اصحاب کهف تصمیم مردم در ساختن مسجد را بدون هیچ‌گونه مذمت و نکوهشی نقل می‌کند. آیا سکوت پروردگار در مقابل این عمل، دلیل بر صحت کار آنان نیست؟ طبیعی است که در آن مسجد، خدا را عبادت می‌کردند و دعا و نیایش برپا می‌داشتند.

۳. نماز و دعای فاطمه علیها السلام نزد قبر «حمزه علیه السلام»؛ مورخان و صاحبان صحاح و سنن، روایتی را بدین مضمون نقل کرده‌اند: «إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام بِنْتَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ عَمِّهَا حَمْزَةَ كُلِّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّي وَتَبْكِي عِنْدَهُ»^۲؛ «حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله قبر عمویش حمزه را در هر جمعه زیارت می‌کرد و در کنار آن نماز می‌گزارد و می‌گریست».

در روایات شیعه آمده است:

«فُتِّصَلِّي هُنَاكَ وَتَدْعُو وَتَبْكِي»^۳؛ «نماز می‌خواند، دعا و گریه می‌کرد».

بنابر نظر اهل سنت، فعل صحابه حجت است و فاطمه علیها السلام به طور یقین از صحابه به پیامبر نزدیک‌تر و حکم خدا را از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته بودند.

۱. کهف: ۲۱.

۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸.

۳. کشف الارتیاب، ص ۳۳۹.

۴. دعا و نماز «عایشه» در کنار قبر پیامبر ﷺ، سالیان طولانی عایشه کنار قبر پیامبر ﷺ زندگی کرد و در آنجا نماز و دعا خواند. هیچ کدام از صحابه نگفتند که دعا و نماز او کنار قبر، باطل یا مکروه است. بعدها که قبر خلیفه اول و دوم هم اضافه شد، باز عایشه در آن مکان زندگی می‌کرد و دعا و نماز می‌خواند. اگر دعا کنار قبور بدعت و ممنوع است، چرا عایشه حدود پنجاه سال این کار را انجام می‌داد؟

۵. دعای پیامبر برای اهل بقیع؛ «محمد بن قیس» می‌گوید:

از عایشه شنیدم که می‌گفت: آیا می‌خواهید از پیامبر ﷺ و از خودم برایتان حدیثی نقل کنم. گفتیم: بله، گفت: شبی که نوبت من بود که پیامبر ﷺ در خانه من باشد، پیامبر ﷺ ردا و نعلینش را کنار پایش گذاشت و گوشه ردایش را زیرش پهن کرد و خوابید. مدتی نگذشت که آهسته ردا و نعلینش را برداشت و آهسته در را باز کرد و خارج شد و در را بست. من چادرم را بر سر کردم، مقنعه پوشیدم و به دنبال حضرت رفتم «حتی جاء البقیع فقام فاطال القیام ثم رفع یدیه ثلاث مرات ثم انحرف فانحرفت...»؛ «حضرت به قبرستان بقیع رسید و مدت طولانی ایستاد و سه بار دستانش را بالا برد [و دعا کرد] سپس بازگشت من هم بازگشتم»^۱.

اگر دعا کنار قبور جایز نیست، چگونه پیامبر ﷺ مأمور می‌شود نیمه شب به قبرستان بقیع برود و برای اهل آن دعا کند؟!

۶. «منصور دوانیقی» در مسجد النبی ﷺ از «مالک بن انس» — امام مالکیه — سؤال

کرد:

ای ابا عبدالله! آیا هنگام دعا، رو به قبر پیامبر ﷺ بایستم یا رو به قبله کنم؟

مالک پاسخ داد: چرا چهره‌ات را از قبر برگردانی، درحالی که پیامبر اکرم ﷺ وسیله

۱. صحیح مسلم، ج ۲، صص ۶۶۹ و ۶۷۰؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۶۵۵.

تو به درگاه خداوند است و او وسیله پدر تو حضرت آدم است به سوی خداوند در روز قیامت. پس رو به قبر بایست و از او بخواه تا شفیع تو باشد و او نیز نزد خدا از تو شفاعت خواهد کرد.^۱

از سؤال منصور معلوم می‌شود که جواز دعا کنار قبر مسلم بوده است و او از نحوه ایستادن سؤال می‌کند که آیا رو به قبر بایستد یا رو به قبله؟ چون عده‌ای رو به قبر و عده‌ای رو به قبله می‌ایستند.

۷. «ابن الحاج» در کتاب «المدخل» درباره دعا در کنار قبور و توسل به قبور صالحین می‌گوید:

یتوسل باهل تلك المقابر اعني الصالحين منهم في قضاء حوائجهم و مغفرة ذنوبهم، ثم يدعوا لنفسه و لوالديه و لمشايخه و لأقاربه و لأهل تلك المقابر و لأموات المسلمين و لأحيائهم و ذريتهم الى يوم الدين، و لمن غاب عنه من اخوانه، و يجار الى الله تعالى بالدعاء عندهم و يكثر التوسل بهم الى الله تعالى.^۲

به اهل آن مقبره‌ها یعنی صالحان از آنان در برآورده شدن حوائجش و مغفرت گناهانش توسل می‌جوید، آن‌گاه بر خودش و برای پدر و مادرش و اساتید و نزدیکانش و برای اهل آن مقبره‌ها و برای اموات مسلمانان و برای زنده‌ها و ذریه آنان تا روز قیامت و برادران دینی‌اش که از او غائب می‌باشند، دعا می‌کند و با دعا کردن نزد آنان به خداوند متعال پناه می‌برد و به آنها نزد خداوند متعال توسل می‌جوید.

۱. وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۴، ص ۱۳۷۶.

۲. الغدير، ج ۵، ص ۱۷۳ به بنقل از المدخل، ابن الحاج، ج ۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

افضلیت دعا در مشاهد انبیاء و اولیاء علیهم السلام

شکی نیست بعضی از مکان‌ها نسبت به سایر مکان‌ها شرافت و فضیلت دارند؛ مانند مسجد الحرام و مسجد النبی نسبت به سایر مساجد یا سرزمین مکه و سرزمین عرفات بر سایر زمین‌ها و حرم بر حِل. قبرستان بقیع نیز بر سایر قبرستان‌ها فضیلت دارد؛ زیرا بسیاری از صحابه و اولیای خدا در آن مدفون‌اند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای اهل آن دعا و طلب رحمت کرده است. حال سؤال این است آیا دعا کردن در این مکان‌های شریف بر سایر مکان‌ها فضیلت ندارد؟

به نظر می‌رسد نه تنها دعا در کنار قبور مانعی ندارد، بلکه شواهد تاریخی زیادی ثابت می‌کند که در این مکان‌ها دعا فضیلت بیشتری دارد؛ زیرا مکان‌های با فضیلتی هستند. در اینجا به بعضی موارد اشاره می‌کنیم:

به دلیل شرافت و فضیلت مکان دفن پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه اول و دوم را در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کردند، و گرنه چه دلیلی داشت که آنها بخواهند در آنجا دفن شوند. «بخاری» چنین نقل می‌کند:

چون هنگام وفات «عمر بن خطاب» رسید به فرزندش «عبدالله» گفت: به نزد عایشه برو و سلام مرا به او برسان، نگو امیرالمؤمنین؛ زیرا من امروز امیرالمؤمنین نیستم، بلکه بگو: عمر بن خطاب! از تو می‌خواهد تا اجازه دهی من در کنار دو صاحبم دفن شوم.^۱

آیا غیر از شرافت مکان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل دیگری عمر را وادار به این تقاضا کرد؟ اگر این مکان به جهت پیامبر صلی الله علیه و آله شرافت دارد، چرا قبرستان بقیع که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و جمع زیادی از صحابه در آن مدفون‌اند شرافت نداشته باشد؟ چرا نمی‌توان به دلیل این

۱. صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی قبر النبی صلی الله علیه و آله؛ کتاب فضل الصحابة، باب قصة البیعه.

شرافت دعا کرد و امیدوار بود که به اجابت برسد.

قرآن کریم دستور می‌دهد «مقام ابراهیم» را مصلاهی خود قرار دهید: ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً﴾؛ «از مقام ابراهیم مکانی را برای نماز گزاردن برگزینید». (بقره: ۱۲۵)

در مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن خانه کعبه روی آن ایستاد و این ایستادن باعث فضیلت آن سنگ شد. اگر به سبب ایستادن پیامبر، سنگی ارزش پیدا می‌کند و مردم مأمور می‌شوند در آنجا نماز و دعا بخوانند، به طور حتم، زمینی که جسم پیامبر صلی الله علیه و آله شهید و یا اولیاء در آن دفن هستند، شرف و فضیلت دارد و دعا کردن در آنجا اهمیت بیشتری دارد و احتمال اجابت را بیشتر می‌کند.

«سیوطی» در احادیث معراج حدیثی نقل می‌کند که خلاصه آن چنین است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «مدینه»، «طور سینا» و «بیت اللحم» فرود آمد و نماز خواند. سپس جبرئیل از ایشان پرسید: آیا می‌دانید که در کجا دعا کردی و نماز خواندی؟ و سپس خود او پاسخ داد: در موضع اول گفت: اینجا سرزمین پاک است که شما به آن مهاجرت می‌کنید و در موضع دوم گفت: شما در طور سینا نماز خواندید و دعا کردید که موسی علیه السلام در آنجا با خدا سخن گفت و در موضع سوم گفت: اینجا بیت اللحم است که عیسی علیه السلام در آنجا به دنیا آمده است.^۱

از امر به نماز و دعا معلوم می‌شود هر کدام از این سه مکان، به دلیلی شرافت دارند. مدینه به جهت آنکه در آینده محل وحی، حکومت اسلامی و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود، فضیلت دارد. طور سینا محل گفت‌وگویی حضرت موسی علیه السلام با پروردگار است و بیت اللحم به دلیل ولادت حضرت عیسی علیه السلام شرافت پیدا کرده است.

حال اگر بگوییم قبرستان بقیع به دلیل دفن شهداء، اولیای خدا، اصحاب برگزیده

۱. ر.ک: الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۵۴.

رسول خدا ﷺ شرافت دارد و دعا کردن در کنار آن فضیلت بیشتری دارد، سخن گزافی نگفته‌ایم.

«شیخ ابراهیم باجوری» در حاشیه خود بر شرح «ابن قاسم غزی» بر متن «شیخ ابی شجاع» در «فقه الشافعی» گفته است:

بوسیدن قبر و استلام آن مکروه است و همین حکم را تابوتی که بالای قبر می‌گذارند نیز دارد و همچنین بوسیدن درگاه‌ها هنگام داخل شدن برای زیارت اولیا مکروه است مگر اینکه به قصد تبرک باشد که در این صورت کراهت ندارد.

و اذا عجز عن ذلك لازدحام ونحوه كاختلاط الرجال والنساء كما يقع في زيارة سيدي احمد البدوي وقف في مكان يتمكن فيه من الوقوف بلا مشقة وقرأ ما تيسر و اشار بيده او نحوها ثم قبل ذلك.^۱

اگر به دلیل ازدحام جمعیت و مانند آن، مثل اختلاط مردان و زنان، از این کارها عاجز باشد، همان‌طوری که در زیارت آقام احمد بدوی اتفاق می‌افتد، در جایی که بدون زحمت امکان توقف وجود دارد، بایستد و هرچه می‌تواند دعا بخواند و با دست خود و یا چیز دیگر به قبر اشاره کند و سپس آن را ببوسد.

آنچه شیعه در کنار قبرستان بقیع می‌خواند

در مذهب اهل بیت علیهم‌السلام دعا و زیارت خواندن کنار قبر پیامبر، شهدا و اولیا مستحب است و موجب تقویت ارتباط بنده با پروردگار می‌شود. امید استجابت دعا با واسطه قرار دادن انسان‌های شایسته و آبرومند نزد پروردگار در مکانی که شرافت دارد، بیشتر شود. این دعا کردن موجب ترویج شرک نمی‌شود و بدعت نیست، بلکه توحید و بندگی خداست. برای روشن شدن مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نمونه‌ای از آنچه شیعیان در

۱. الغدير، ج ۵، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.



مشاهد مشرفه و قبرستان بقیع می‌خوانند ذکر می‌کنیم:

از زیارات و دعا‌های معروفی که شیعیان، کنار قبور و یا مکان‌های مختلف می‌خوانند زیارت «امین الله» است. زیارت «امین الله» معانی بلند توحیدی دارد و نیاز بنده ضعیف به توجه و لطف پروردگار است. «علامه مجلسی» این زیارت را بهترین زیارت‌ها از جهت سند و متن معرفی می‌کند و «محدث قمی» آن را در نهایت اعتبار می‌داند.^۱

این زیارت از «جابر» از محمد بن علی الباقر علیه السلام نقل شده است که علی بن الحسین علیه السلام این‌گونه جدش امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کرد. متن این زیارت عبارت است از:

السلام عليك يا امين الله في ارضه و حجته على عباده [السلام عليك يا امير المؤمنين]،
 اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده و عملت بكتابه و اتبعت سنن نبيه صلى الله عليه و
 آله حتى دعاك الله الى جواره فقبضك اليه باختياره و الزم اعداءك الحجة مع ما لك من
 الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرک راضية بقضائك
 مولعة بذكرک و دعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك و سمائك صابرة على
 نزول بلائك [شاكرة لفواضل نعمائك ذاکرة لسوايغ آلائك] مشتاقا الى فرحة لقاءك
 متزودة التقوى ليوم جزائك مستتة بسنن اوليائك مفارقة لآخلاق اعدائك مشغولة عن
 الدنيا بحمدك و ثنائك.

اللهم ان قلوب المحبتين اليك والهة و سبل الراغبين اليك شارعة و اعلام القاصدين
 اليك واضحة و افئدة العارفين منك فازعة و اصوات الداعين اليك صاعدة و ابواب
 الاجابة لهم مفتحة و دعوة من ناجاك مستجابة و توبة من اناب اليك مقبولة و عبرة من

۱. مفاتيح الجنان المعرب، ص ۳۵۰.

بدی من خوفک مرحومه و الاغاثة لمن استغاث بك موجودة [مبدولة] و الاعانة لمن استعان بك مبدولة [موجوده] و عداتك لعبادك منجزة و زلل من استقالك مقالة و اعمال العاملين لديك محفوظة و ازراقتك الى الخلاق من لدنك نازلة و عوائد المزيد اليهم و اصله و ذنوب المستغفرين مغفورة و حوائج خلقتك عندك مقضية و جوايز السائلين عندك موفرة و عوائد المزيد متواترة و موائد المستطعمين معدة و مناهل الظماء [لديك] مترعة اللهم فاستجب دعائي و اقبل ثنائي و اجمع بيني و بين اوليائي بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين انك ولي نعماي و منتهى مناي و غاية رجائي في منقلي و مثوأي. و قد ذيلت في كتاب كامل الزيارات بما يلي:

أنت الهی و سیدی و مولای اغفر لاوليائنا و كف عنا اعداءنا و اشغلهم عن اذانا و اظهر كلمة الحق و اجعلها العليا و ادحض كلمة الباطل و اجعلها السفلى انك على كل شيء قدير.

خلاصه

دعا و نماز مکان خاصی ندارد و هر جا می توان از خداوند طلب رحمت، مغفرت و آمرزش کرد، مگر چند مورد خاص که استثناء شده است و عالمان فریقین نماز خواندن در آن مکانها را مکروه و یا حرام شمرده اند، اما در سایر موارد دلیلی بر حرمت دعا کردن نداریم. سیره پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب آن حضرت و تابعین و سیره مسلمانان بر این بوده است که در کنار قبرها دعا می کردند و از خداوند برای مردگان خود و سایر مؤمنین طلب رحمت و بخشش می کردند. اگر مردگان از انسانهای آبرومند درگاه پروردگار بودند، او را نزد پروردگار برای اجابت دعای خود واسطه قرار می دادند. شیعیان به پیروی از عمل پیامبر ﷺ و اصحاب و سیره مسلمین در قبرستان بقیع و کنار

آن، دعاهایی را که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است، قرائت می‌کنند، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرزندان او و شهداء متوسل می‌شوند، برای آنها طلب رحمت می‌کنند و از آنان درخواست می‌کنند که نزد پروردگار واسطه شوند.